

کتابهای نفیسی

انسیتوی خاورشناسی (۳)

۱- تالیفات جغرافیائی دوره قرون وسطی

این تالیفات از حیث تعداد نسبتاً زیاد نیست ولی قسمت بسیار گرانبهای مجموعه نسخ خطی فارسی و قدیمترین آنها متعلق با واسط سده دهم و تازه ترین آنها متعلق به اوایل سده بیستم است. بنابراین نسخه‌های ما عبارت است از تالیفات مدت قریب ده سده و حاوی شرح و وصف عدّه کثیری ممالک و شهرهای دنیای قدیم از چین گرفته درخورتا اسپانیا در باختر و از روسیه در شمال تا سرانندیب (سیلان) و زنگبار در جنوب میباشد. در تالیفات سده ۱۹ حتی اطلاعاتی درباره دنیای جدید یعنی امریکاهم دیده میشود. بدیهی است اطلاعات درباره ممالک مختلف دارای ارزش یکسان نیست؛ فقط برای برخی از آنها مخصوصاً ایران، آسیای میانه، افغانستان، ماوراء قفقاز، هندوستان و تاحدی هم آسیای صغیر و بین‌النهرین یعنی برای ممالکسی که اکثر این آثار در آنجا بوجود آمده است، تالیفات مذکور میتواند بعنوان منبع اولیه برای تحقیق و بررسی جغرافیای تاریخی ملاک واقع شود. وصف سایر ممالک که در این تالیفات وجود دارد با استثناء عدّه قذیبی بطور کلی دارای جنبه نقلی از ماخذ و اقوال دیگران است. هنگام سنجش و ارزیابی این آثار بعنوان منابع تاریخی و جغرافیائی باید بستگی و ارتباط کامل آنها و غالباً تبعیت کامل و مستقیم آنها را نسبت به تالیفات جغرافیائی بسیار غنی بزبان عربی که اهمیت جهانی دارد و در قرون وسطی بوسیله نمایندگان بسیاری از ملل و اقوام خاور نزدیک و خاور میانه بوجود آمده است، درست منظور نظر داشت. لیکن با ذکر این مطالب اهمیت آثار جغرافیائی فارسی قرون وسطی خیلی زیاد است. آن آثار همردیف با تالیفات جغرافیائی بزبان عربی مهمترین ماخذ و گاهی هم منبع منحصر بفرد ما برای تحقیق و مطالعه جغرافیای تاریخی

واقتصادیات ممالک فوق‌الذکر خاورمیانه و در درجه اول ایران و آسیای میانه است. بعلاوه برخی از آنها حاوی اطلاعات گرانبهای جداگانه درباره کشور های دیگر بخصوص درباره ملل اروپای شرقی و روسیه کهن میباشد. درست است که این اطلاعات غالباً دارای جنبه نقلی از مأخذ دیگر است، با این وصف اطلاعات مذکور بسیار مهم است زیرا منابع اولیه‌ای که اطلاعات مذکور از آن اخذ شده، باقی و محفوظ نمانده است.

آثار جغرافیائی جدید تر در عالم علمی تا حدی وضع دیگری دارد. از آغاز سده ۱۶ مقدار کثیری تالیفات درباره خاور زمین و از جمله درباره کشورهای خاورمیانه بزبانهای اروپائی انتشار یافت و بدین مناسبت برای ممالک فوق‌الذکر، خاصه برای ایران و هندوستان از اهمیت سابق تالیفات جغرافیائی ایرانی تا حد معینی کاسته شد و دیگر آثار آنها جنبه منابع منحصر بفرد تحقیقات تاریخی و جغرافیائی را فاقد گردید. علاوه بر آن انحطاط تمدن و فرهنگ و علوم در سده‌های ۱۶ تا ۱۸ در ممالک خاور نزدیک و خاورمیانه در تالیفات جغرافیائی آنها هم تاثر منفی نمود. آثار مذکور همیشه تا حدی دارای جنبه نقلی بود، یعنی اغلب اوقات تقریباً بطور عادی اطلاعات اقتباس شده از تالیفات قبل را بدون تغییر از آثار جدید می‌کردند. این نکته در آثار سده‌های ۱۶ تا ۱۸ قوت و شدت یافت و منجر باین شد که در بسیاری از آثار جغرافیائی دوران مذکور دیگر معنی برای مضالم و اطلاعات تازه و قابل توجه باقی نبود. معیناً حتی در تالیفات آن دوره هم بعضی اطلاعات بسیار مهم درباره ممالک و شهرهای خاورمیانه وجود دارد. همین مطلب را با جرئت بیشتر میتوان درباره تالیفات جغرافیائی سده نوزدهم گفت، زیرا در آن زمان هم‌ردیف با آثار نقلی، تالیفات کاملاً قابل توجه جغرافیائی بوجود می‌آمد. بدین نحو برای ممالک خاورمیانه (بطور کلی برای ایران و آسیای میانه) تالیفات جغرافیائی سده‌های ۱۶ تا ۱۹ جنبه منابع مهم تاریخی و جغرافیائی خود را حفظ میکنند، ولو اینکه دارای مقام اول و منحصر بفرد هم نباشد. ولی اطلاعاتی که در آن آثار درباره کشورهای دیگر مثلاً اروپا و امریکا هست، کاملاً دارای مفهوم دیگری میشود. در سده ۱۹ حتی تالیفات بوجود آمده که بوصف بعضی ممالک و شهرهای اروپا (روسیه، فرانسه و غیره) اختصاص داشته و برخلاف تالیفات قرون وسطی این

آثار قابل دقت و توجه هم میباشد (یعنی طبق معلومات و مشهودات خود مؤلفین نوشته شده است).

لیکن اگر اطلاعات بسیار و غالباً نقلی مؤلفین قرون وسطی، مثلاً در باره روسیه، بعلت فقر عمومی منابع آن زمان ممکن است گاهی از لحاظ علمی بسیار قابل توجه باشد طبیعی است که این حرف را نمیتوان درباره اطلاعاتی گفت که در تألیفات متأخرتر وجود دارد، ولو آن تألیفات قابل توجه هم باشد. آن آثار از لحاظ دیگر برای ما اهمیت دارد: از آن آثار ما میتوانیم درباره تمدن و فرهنگ و جهان بینی مؤلفین آنها درست تر قضاوت کنیم، و بنا بر این تا حدی درباره سطح تمدن و فرهنگ کشورهای مبداء آن آثار نیز قضاوت نمائیم. اهمیت زیاد تألیفات جغرافیائی فارسی متأخرتر ببارت صحیح تر آن آثار که دارای اطلاعاتی درباره اروپا و ممالک خاور نزدیک و خاور دور و امریکا و غیره میباشد عبارت از همین است.

قدیمی ترین تألیف جغرافیائی در مجموعه ما عبارت است از ترجمه کتاب **مسالك الممالك** اثر معروف الاصلطخری که با اصلاحات مجدد دفعه دوم قریب سال ۳۴۰ (۹۵۱-۹۵۲) نوشته شده است. ما دارای دو نسخه از این کتاب هستیم: یکی بعلامت ۶۱۰ - C، دیگری بعلامت ۷۹۷ - B. هر دو نسخه به ترجمه موصوف و معروف تألیف مذکور الاصلطخری میرسد، ولی در یک نسخه (۶۱۰ - C) نام مترجم ذکر شده که در سایر نسخهها معلوم و مشهور نیست. مترجم مزبور ابوالحسن محمد بن سعد بن محمد - النخجوانی المعروف به ابن ساوجی نامیده شده است. نسب خانوادگی مترجم با شهر ساوه و شهر نخجوان بستگی داشته است. شاید خود مترجم در شهر نخجوان مکنی داشته است. علاوه بر کتاب **مسالك الممالك** ترجمه فارسی رساله عربی درباره الفبا و خصوصیات آن، اثر شخصی بنام شهاب الدین مکتوب نیز بتوسط ابن ساوجی انجام گردیده است.

در رسده ۱۰ (درست تر گفته شود - در سال ۹۸۲/۳۲۲-۹۸۳) در آسبای میانه مولف گمنامی اقدام بتألیف کتاب مهم جغرافیائی تحت عنوان **حدود العالم من المشرق الى المغرب** نموده که نسخه منحصر بفرد آن مورخ بسال ۶۵۶ (۱۲۵۸) جزو مجموعه ما است. این نسخه (معمولاً بنام «نسخه خطی توماسکی» با اسم صاحب قبلی آن نامیده میشود) که از طرف فرهنگستان علوم عیناً چاپ و منتشر شده (با مقدمه مفصل و و. و. بارتولد) و با

تفسیرهای مشروح بزبان انگلیسی ترجمه شده ، شهرت جهانی یافته است و بهمین سبب ذکر مفصل درباره آن در اینجا ضرورت ندارد . این تألیف جزو مجموعه نسخی است که در آن تألیف جغرافیائی دیگر هم تحت عنوان **جهان نامه** وجود دارد و آنرا شخصی بنام محمد بن نجیب بکران در اوایل سده ۱۳ تنظیم نموده است . این تألیف انتشار نیافته است . در حال حاضر غیر از نسخه ما ، فقط يك نسخه دیگر آن (در پاریس) معروف است . نسخه جهان-نامه ما کامل و خیلی نزدیک بزمان تحریر خود کتاب میباشد و دارای تاریخ ۲۸ رمضان سال ۶۶۳ (۱۵ ژوئیه سال ۱۲۶۵) است . بمناسبت ذکر جهان نامه مقتضی است درباره نسخه تألیف نسبتاً کمیاب و همچنین انتشار نیافته سده ۱۵ تحت عنوان **مسالك الممالك** گفته شود که مولف آن ابوالحسن سعید علی الجرجانی است و بقرارد معلوم در سال ۸۸۱ (۱۴۷۶-۱۴۷۷) در گذشته است . نسخه مادر تاریخ ۲۴ شعبان سال ۱۰۱۰ (۱۸ فوریه سال ۱۶۰۲) خاتمه یافته است . جرجانی قسمت اعظم متن جهان نامه را بامختصر تقییری وارد کتاب خود کرده است . این امر میتواند کار بررسی و نشر چنین یادگار نادر و مهم تألیفات جغرافیائی اوایل قرون وسطی را مانند جهان نامه سهل تر کند .

اخیرا نسخه دیگر تألیف جغرافیائی ما (که یقیناً منحصر بفرد است) تحت عنوان **عجایب الدنيا** که متعلق بسده ۱۳ میباشد شهرت یافت . این نسخه ناقص است (اول و آخر ندارد) و بدین سبب تاکنون نام مؤلف آن معلوم نشده است . اثر مذکور منبع گرانبانی است برای جغرافیای تاریخی آذربایجان و ارمنستان در زمان قبل از هجوم مغولان (اواخر سده ۱۲-اوایل سده ۱۳) . در همان حال هم این اثر امکان داد که نام مؤلف حقیقی يك کتاب بزرگ جغرافیائی و در علم هیئت مربوط به سده ۱۲ کشف بشود . کتاب مذکور **عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات** نامیده میشود . تاکنون طبق اطلاعات حاجی خلیفه ، منتسب بشخصی بنام احمد طوسی میشود . ولی معلوم شد که مؤلف حقیقی آن نجیب همدانی ساکن اصلی و قدیمی شهر همدان بوده است . از این کتاب بسیار نادر نزد ما دو نسخه موجود است : یکی از سده ۱۷ و دیگری قدری متأخرتر . بقرارد معلوم هر دو نسخه از روی نسخه های قدیمی ناقص استنساخ شده است . تألیف نجیب همدانی دارای جنبه نقلی از ماخذ دیگر است ، لیکن مؤلف آن از برخی منابع گرانبها ، خاصه از

کتاب معروف احمد بن فضلان استفاده کرده است. بدین سبب کتاب او (بطوریکه آ. پ. کارالفسکی نشان داده) برای فهم و تشخیص درست بعضی قسمتهای متن کتاب ابن فضلان که به برای تاریخ روسیه کهن و قبایل ترک اهمیت فوق العاده دارد، ممکن است بسیار مفید واقع شود. گذشته از آن نجیب همدانی اطلاعات مختصری درباره روسیه کهن و ترکها میدهد که بقرار معلوم در سایر منابع قدیمی تر محفوظ نمانده است و اگرچه اطلاعاتی که او میدهد تا حدی اندک و مختصر است ولی اهمیت دارد. تذکر این مطلب اهمیت دارد که اطلاعات نجیب همدانی درباره روسیه (درست تر گفته شود - درباره بعضی عادات و آداب زندگانی روسها) تقریباً بدون هیچ تغییری وارد کتاب گمنام سده ۱۷ م. سوم به عجایب الطبقات آسیای میانه که دارای جنبه جغرافیائی و علم هیئت میباشد گردیده است. این کتاب هم مثل آثار مشابه در آن زمان کاملاً جنبه نقلی را مآخذ دیگر دارد و حاوی مقدار بسیار کمی مطالب جالب توجه میباشد، نویسنده آن محمد طاهر بن ابوالقاسم است و آنرا به نادر محمد جنیدی (۱۰۵۱ - ۱۰۵۵/۱۶۴۲ - ۱۶۴۵) اهدا نموده است. کتاب عجایب الطبقات یادکاری است که هنوز هیچ مورد بررسی و تحقیق واقع نشده و جزو تألیفات جغرافیائی متأخر آسیای میانه است. از این کتاب چهار نسخه جزو مجموعه ما است که یکی از آنها کامل است و خوب تنظیم یافته و مطابق علاقه ظاهری میتوان آنرا متعلق به سده ۱۷ دانست.

برای تحقیق و معطالعه وضع اقتصادی ایران، آذربایجان، بین النهرین و قسمت شرقی آسیای صغیر، بنصیقه همه کتاب **نزّهت القلوب** حمداله مستوفی قزوینی اهمیت فوق العاده دارد و شاید بهترین تالیف جغرافیائی فارسی قرون وسطی باشد. این کتاب قریب سال ۷۶۰ (۱۳۳۹ - ۱۳۴۰) نوشته شده و در مجموعه ما هفت نسخه از آن موجود است که یکی از آنها خیلی قدیمی است، یعنی زود تر از نیمه اول سده ۱۵ نوشته نشده است. بطوریکه معلوم است اطلاعاتی که حمداله مستوفی درباره خراجات و مالیاتهای وصولی از ولایتها و شهرهای مختلف ممالک فون الذکر داده است کتاب او را دارای اهمیت خاصی میکند. اطلاعات درباره مالیاتها که در نسخه ما بعلامت ۶۰۴ - C هست (هرچند در باقی هم هست) باستثنای موارد جزئی، با ارقامی که در این خصوص در متن نزّهت القلوب چاپ لو - استرنج ذکر شده است، اختلاقی ندارد.

لیکن انبازی که نسخه ما بر نسخه اخیر الذکر دارد این است که در نسخه ۶۰۴ - C در اون شرح مربوط به ریایات (تومان) عراق عجم علاوه بر آن مجموع مبنغ مالیاتی که باید ازان وصول کرد نیز ذکر شده است. صحیح است که خود رقم آن منظم قید نمیشود، ولی مسلم است که آن رقم در نسخه ای که نسخه ما ازان استنساخ میشده باید وجود مبداشته است، زیرا در همه جا در متن برای آن ارقام جی خالی باقی گذاشته شده است. بعید نیست که نسخه خطی دیگری پیدا بشود که ارقام مطلوب در آن باشد. آنوقت اطلاعات اضافی و مکمل برای رسیدگی مدارک آماری حمداله قزوینی بدست خواهد آمد که برای مطالعه عمیق تروضع اجتماعی و اقتصادی ایران در قرون وسطی کمال ضرورت را دارد.

در سده ۱۶ شخصی از اهالی شهر بلخ بنام سلطان محمد بن درویش محمد المفتی البلخی کتابی در دینیت و جغرافیا تحت عنوان **مجمع القرائب** نوشته است. این کتاب با دو اسلوب نگارش بهمارسیده است: یکی زودتر از سال ۹۷۴ (۱۵۶۶-۱۵۶۷) نوشته نده و دومی در حدود سال ۹۸۴ (۱۵۷۶-۱۵۷۷) نوشته شده است. بطوریکه تعداد کثیر نسخ محفوظ مانده این کتاب نشان میدهد (در مجموعه ماسیزده نسخه ازان موجود است) این کتاب تا سده ۱۹ در آسیای میانه شهرت و رواج داشته است. با وجود جنبه نقلی آن از ماخذ دیگر، که از خصوصیات این نوع آثار دوره متأخرتر میباشد این یادگار تا حد معینی قابل توجه است. در آن برخی اطلاعات مهم و جالب توجه درباره وضع بلخ و ایالت بلخ در سده ۱۶ وجود دارد که باید مورد توجه مخصوص واقع شود زیرا باید در نظر داشت که بلخ و ایالت بلخ در زندگانی سیاسی و اقتصادی مدنی و فرهنگی آسیای میانه در سده های ۱۶ تا ۱۸ نقش مهم و بزرگی داشته است. تاریخهای مهم ترین وقایع تاریخی که در آسیای میانه در سده ۱۶ واقع شده و مؤلف کتاب مذکور ذکر نموده است، هنوز بهیچوجه مورد استفاده علمی واقع نشده است.

سلفان محمد المفتی البلخی در مقدمه از منابع و ماخذ خود اسم نیببرد لیکن در خود تألیف مکرر به آثار مختلفی استناد مینماید که از آنها استفاده کرده است. گاهی آن تذکرات بسیار مفید است: مثلاً در ضمن وصف قلعه ای در طبرستان به مولانا عبدالملی البیرجندی و رساله او موسوم به **عجایب البلدان** استناد مینماید. رساله کوچکی در علم هیئت و جغرافیا که نسخه های خطی آنرا «ریو» و «اته» مفصلاً وصف نموده، ولی نتوانسته اند مؤلف آنرا

معلوم کنند بدین نام معروف است. ما هم يك نسخه ناقص آنرا داریم که طبق علائم ظاهری متعلق به سده ۱۶ است.

مقایسه شرح مربوط به قلعه مذکور در طبرستان که در آن مندرج است با آنچه که در مجمع الفرائب با استناد به البیرجندی نوشته شده نشان میدهد که مطالب مجمع الفرائب تقریباً کلاماً از کتاب عجائب البلدان که تا کنون مولف آن مجهول بود، نوشته البیرجندی است.

ابن مطلب خلی قابل توجه است زیرا البیرجندی (بعد از سال ۹۳۰ / ۱۲۷۳ - ۱۲۷۴ فوت کرده است) منجم معروف خراسانی در اواخر سده ۱۵ و اوایل سده ۱۶ و ادامه دهنده سنن علمی مکتب نجوم خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی در سال ۶۷۲ / ۱۲۷۳ - ۱۲۷۴) و الخ بیک (مقتول در سال ۸۵۳ / ۱۴۴۹) بوده است. نام مؤلف امکان میدهد که بطور کامل ارزش آن مطلبی تعیین شود که در مقدمه عجائب البلدان نگاشته شده و حاکی از این است که علت نگارش رساله مذکور بی اعتنائی معاصران بطلعه و بررسی مسائل مربوط باندازه گیری سیارات و زمین و مناطق آن بوده است. چنین شکاینی از طرف منجم بزرگی مانند البیرجندی در اوضاع اوایل سده ۱۶ که در ممالک خاور نزدیک و خاور میانه ترقی و توسعه علوم دقیق و طبیعی از جمله نجوم، هیئت و جغرافیای ریاضی دوچار انحطاط گردیده بسیار مهم و جالب توجه می باشد.

در پایان وصف و ذکر یادگارهای تألیفات قرون وسطی در علم هیئت و جغرافیا که جزو مجموعه ما است يك نسخه بسیار کمیاب رساله ای در علم هیئت بنام تحفة عین الحیوة اشاره میکنیم. تا کنون يك نسخه از آن در دست بوده که «اته» آنرا وصف نموده است. نسخه ما که آنقدر کامل نیست، طبق علائم ظاهری متعلق است به اواخر سده ۱۷ و اوایل سده ۱۸ و جزو مجموعه ای از نسخ دیگر است و در اوراق ۶۱ تا ۱۲۷ الف مجموعه مذکور نوشته شده است. مولف «تحفة عین الحیوة» هنوز معلوم نشده، بقرار معلوم این رساله در سال ۹۶۸ (۱۵۶۰ - ۱۵۶۱) برشته تحریر در آمده است. این اثر که توجه محققین را جلب نمیکرده، بعنوان نمونه خاص تألیفات جغرافیائی و علم هیئت دوره متأخرتر قابل توجه و دقت میباشد.

۲- تألیفات جغرافیائی سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰

برخی نسخه های خطی جالب توجه و گرانبهای تألیفات جغرافیائی سده

۱۹ و اوایل سده ۲۰ نزد ما موجود است. از آثار مولفین آسیای میانه میتوان سه نسخه کتاب معروف سمریه را نام برد که «ن و . و سه لوفسکی» از روی یکی از آنها (بعلامت ۲۴۱۸-B) در سال ۱۹۰۴ متن این یادگار را منتشر کرده است. این اثر منبع مهمی است درباره نقشه برداری تاریخی شهر سمرقند و ولایت سمرقند. این کتاب در سال ۱۲۵۱ (۱۸۳۵ - ۱۸۳۶) نوشته شده و مولف آن ابوطاهر بن ابوسعید سمرقندی است.

«روزنامه هیئت اعزامی به اسکندر کل (۱) از ۲۵ آوریل تا ۲۷ ژوئن سال ۱۸۷۰» خیلی جالب توجه است.

«روزنامه» راطبق دستور آ. ل. کون (۱۸۴۰ - ۱۸۸۰) خاورشناس معروف روس، یکی از اهالی و ساکنین شهر سمرقند بنام میرزا ملا عبدالرحمن پسر محمد لطیف مستجیر مترجم آن خاورشناس مینوشته است که حاوی وصف و شرح مفصل و گرانهای نقاط و آبادیهای واقع در مسیر هیئت اعزامی به اسکندر کل، یعنی بالا آب زرافشان از پنج کند تا بال دوراک (کنار رود مستجه منشأ زرافشان)، جلگه های رودخانه های یقتاب و اسکندر دریا و نواحی دریاچه اسکندر کل میباشد.

درین روزنامه اولین اطلاعات درباره زبان یفتابی در آثار کتبی داده شده است. این روزنامه دارای ضمیمه مخصوصی است که در آن اطلاعات فولکلوری و اییگرافیک (علوم خطوط عتیق) و مقدمه ای بزبان روسی هست که آ. ل. کون نوشته است. مادارای دو نسخه کاملاً یکسان از این روزنامه ها هستیم که بر حسب دستور آ. ل. کون بیا یادداشتها و حواشی و اصلاحات خود او تهیه و تنظیم گردیده است.

در سال ۱۸۷۲ آ. ل. کون با اولین نمایشگاه پلی تکنیک کل روسیه به مسکو آمده بود. شخصی از ساکنین آسیای میانه (نام او ذکر نشده است) که همراه او و بقرار معلوم تاجیک بوده (احتمال کلی دارد که همان نویسنده فوق الذکر روزنامه هیئت اعزامی به اسکندر کل بوده است) وصف مشروح و مفصل نمایشگاه مسکورا نوشته، یادگار گذاشته است که متأسفانه خاتمه نداده است. این اثر بعنوان تألیف نثر ایرانی سده ۱۹ خیلی قابل توجه است و مادارای نسخه خطی خود مؤلف میباشیم.

۱- (توضیح مترجم - کل به لهجه های ایرانی شرفی بمعنی دریاچه کوچک است و بهمین معنی در خراسان و آسیای میانه مانده و فقط در زبان آذربایجانی آنرا با کاف فارسی تلفظ میکنند).

اگر «سریه» از حیث مندرجات و روح مطالب بمنزله دنباله مستقیم همین نوع آثار دوران قرون وسطی از قبیل «کندی» النصفی (سده ۱۲) یا کتاب **ملازاده** نوشته احمد بن محمود معین الفقراء «سده ۱۵» میباشد، در مقابل دو تألیف اخیر الذکر بمنزله مبشر دوران جدید در تاریخ ملل آسیای میانه است، این دوره بانفوذ روزافزون روسیه (اعم از اقتصادی، سیاسی مدنی و فرهنگی) در تمام شتون و جوانب زندگی ملل آسیای میانه ارتباط دارد که تاثیر خود را در هر دو اثر فوق الذکر باقی گذاشته است.

در ایران در سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ یک سلسله آثار مفید بر معنی و جالب توجه دارای جنبه جغرافیائی تألیف گردیده که بعضی از آنها در مجموعه ماموجود است. در سال ۱۸۱۵ سفیری از فرانسه بایران آمد. دولت شاهنشاهی در مقابل سفیری از ارمنه بفرانسه فرستاد که خود را بزبان فارسی - دود - بن زادور از خاندان ملکشاه نظر مینامید و بزبان ارمنی نام وی داوید خسار ملکشاه نظریان شاپوریاتس بود، در سال ۱۲۳۴ (۱۸۱۸ - ۱۸۱۹) نامبرده کتاب کوچکی درباره سفر خود بفرانسه تحت عنوان «مختصری در باب چگونگی دولت فرانسه و ملت و پایتخت ایشان که شهر پاریز است» نوشت. اطلاعاتی که درباره فرانسه در آن هست چندان ارزشی ندارد، اصولاً این تألیف از لحاظ اینکه از نخستین گواهیهایی توجیه روز افزون اروپا و قواعد اروپائی از طرف طبقات عالیة ایران میباشد جالب توجه است، زیرا این توجیه در درجه اول نتیجه تشدید جلب ایران بصفه نفوذ سیستم کابینالیستی جهانی بوده است. مولف اثر مذکور یعنی داویدخان هم شخص بسیار قابل توجهی است، نامبرده در ایران در جلفای نو یا بزبان ارمنی جوگه «حومه اصفهان» متولد گردیده، در زمان فتحعلی شاه قاجار مقامات نسبتاً مهمی داشته و نشان «شیر و خورشید» درجه یک باو اعطاء گردیده است. علاوه بر تألیف مربوط بفرانسه، داویدخان کتاب کوچکی هم درباره وضع ایران نوشته که در سال ۱۸۱۸ بزبانهای فارسی، ارمنی و فرانسه با عکس مولف در پاریس چاپ شده است. نسخه تألیف فوق الذکر داویدخان درباره فرانسه که نزد ما موجود است، نسخه خود مولف است. درباره اینکه آیا نسخه‌های دیگری هم از آن وجود دارد هیچ اطلاعی در دست نیست.

کتاب **بزرگ ریاض السیاحات** حاوی وصف ممالک خاور میانه و خاور نزدیک و همچنین بعضی ممالک دیگر (روسیه، اتریش، چین و غیره) در سال ۱۲۴۲ (۱۸۲۷) خانمه یافت، مولف آن ابن اسکندر زین العابدین شیروانی

(متولد سال ۱۱۹۴/۱۷۸۰) است. کتاب وی که از هشت قسمت بزرگ ترکیب یافته، حاوی اطلاعات زیاد تاریخی جغرافیائی مخصوصاً در باره ایران میباشد.

ما دارای دو نسخه از کتاب مذکور فقط شامل قسمت اول آن درباره ایران و برخی ممالک مجاور آن هستیم. یکی از آن دو نسخه ۱۰ شوال سال ۱۲۵۸ (۱۵ نوامبر سال ۱۸۴۲) بدستور باکی خانوف (۱۷۹۴-۱۸۴۷) مورخ معروف سده ۱۹ آذربایجان نوشته شده و پایان یافته است. در مجموعه مانسخته تالیف جغرافیائی دیگر بنام « کتاب استرآباد و مازندران و گیلان و سمن و دامغان و غیره » توجه را جلب میکند. مندرجات این کتاب (تاریخ دقیق نگارش آن تعیین نشده است) از عنوان آن با وضوح معلوم است. در این تالیف مقدار زیادی اطلاعات درباره اقتصادیات و اتنوگرافی ایالات ساحل دریای خزر ایران وجود دارد که تاکنون مورد استفاده واقع نشده است و همچنین مطلب و اطلاعات تاریخی هست، مثلاً درباره شورش بابیها در بارفروش در سال ۱۲۶۵ (۱۸۴۸) و هكذا. نام مؤلف این کتاب معلوم نشده است.

متأخرترین یادگار از تالیفات تاریخی در مجموعه ما عبارت است از نسخه بسیار کمیاب کتابی در باره کرمان که مؤلف کمنامی در حدود سال ۱۳۲۳ (۱۹۰۵-۱۹۰۶) نوشته است. این کتاب جغرافیای مملکت کرمان نامیده شده و اطلاعاتی مهم و جالب توجه درباره این ایالت ایران میدهد.

نسخه هیرو و کتب دیگر گراهم تذکره مینهم: یکی از آنها در سال ۱۲۳۷ (۱۸۲۲) در هندوستان (بمبئی) و دیگری در سال ۱۲۴۶ (۱۸۳۰-۱۸۳۱) در آذربایجان نوشته شده است. کتاب اول « رساله » نامیده میشود، نویسنده آن سید محمد بن احمد الحسینی البغدادی مستخدم ک.د. ریج- نماینده کبانی هند شرقی انگلیس در بغداد (تا سال ۱۸۲۱) بوده است.

« رساله » عبارت است از حکایت و شرح مفصل درباره وضع معاصر عراق عرب و کردستان. این منبع مهم تاریخی جغرافیائی ربع اول سده ۱۹ درباره ممالک مذکور تاکنون از لحاظ علمی مورد استفاده واقع نشده است. نسخه این تالیف که نزد ما است بخط خود مؤلف میباشد. در سال ۱۹۴۸ ترجمه عربی « رساله » از روی نسخه ای که برای ما مجهول است، بچاپ رسید. کتاب دوم بنام **کشف الغرائب** کاملاً جنبه دیگر دارد و عبارت است از شرح تاریخ کشف امریکا و جغرافیای آن که بطرز ساده و سلیس انشاء شده

است. این کتاب را باکی خانوف نوشته و بمنزله نمونه فعالیت معارفی وی میباشد. این اثر باکی خانوف بخط خود نامبرده جزو مجموعه ما است.

در این شرح مختصر مافقط بذکر نسخ خطی که بیشتر قبل توجه بودا کتفا نمودیم. تعداد کثیری تالیفاتی که هر چند مهم است ولی شهرت کافی دارد و نسخه های آنها از هیچ حیث قابل توجه زیاد نیست، ذکر نشده است. در صورت نام بردن تمام آنها لازم میبود تقریباً کلیه تالیفات عمده تاریخی و تذکره ای (شرح حالی) و جغرافیائی را ذکر کنیم که تقریباً در مدت ده قرن بوجود آمده و حال آنکه منظور ما این نبوده است. ضمناً باید افزود که آن تالیفات معمولاً در هر يك از مخازن و محفظه های بزرگ کتب خطی وجود دارد و بنا بر این آوردن فهرست آنها مخصوصاً برای تصریح خصوصیات مجموعه ما مفید نمیبود منظور از این سخن این نیست که در صورت مطالعه و تحقیق دقیق در میان آنها نسخه های خطی یافت نمیشود که برای علم و دانش ارزش زیاد نداشته باشد. مثلاً از مثال زیر بخوبی معلوم میشود که در این مورد چه اتفاقات غیر مترقبه ممکن است واقع شود که رابطه مستقیم با مجموعه ما دارد. این مثال خاصه از این لحاظ قابل توجه است که صحبت از کتاب بسیار معروف یعنی ترجمه کتاب مشهور الطبری در باره تاریخ عمومی بتوسط بلعمی است که در باره آن قبلاً گفته شده است. و. و. بارتولد در زمان خود تصور میکرد که پس از چاپ و نشر متن عربی کتاب الطبری، ترجمه بلعمی دیگر کاملاً فاقد اهمیت علمی شده است. این عقیده آن دانشمند شکی نیست که در روش خاورشناسان بعد از او نسبت به ترجمه بلعمی تاثیر نموده است. لیکن تحلیل دقیق نسخه های ترجمه بلعمی که جزو مجموعه ما موجود است اجازه داد که مثلاً قسمتی از متن قرارداد منعقد در سال ۱۰۳ (۷۱۱-۷۱۲) بین قبیله سردار عرب و گورک پادشاه سفد کشف گردد. این سند که از لحاظ مفاد خود فوق العاده مهم است شاید از اولین اسناد آسیای میانه از این نوع باشد که باقی مانده و بدست ما رسیده است و در متن اصلی عربی کتاب الطبری وجود ندارد. این مطلب نشان میدهد که چرا اطلاعات گرانبهایی، حتی در آن نسخه های خطی که تصور میکنند کاملاً مورد مطالعه واقع شده است ممکن است نهفته باشد. در این مختصر مطلوب این بود که یکبار دیگر هم توجه خاورشناسان را باین موضوع جلب نمایم زیرا اصولاً آنان موظفند کار مورخان و زبان شناسان را در استفاده از گنجینه های غنی نسخ خطی ما تا حدی آسان نمایند.